

## جایگاه تحلیل گفتمان در واکاوی متون ادب فارسی

سهیلا فرهنگی\*

### چکیده

تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) یا سخن کاوی چگونگی تبلور و شکل بندی معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (بافت متن) و عوامل برون زبانی (بافت اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می کند. تحلیل گفتمان رویکردی میان رشته ای است که به مطالعه ساختار متون می پردازد و برای آنکه چگونگی تکوین معنا را توضیح دهد، ویژگی های زبانی، اجتماعی و فرهنگی متون را مورد بررسی قرار می دهد.

رویکرد تحلیل گفتمان هر چند در ایران به وسیله زبان شناسان معرفی شد، اما به دلیل ماهیت میان رشته ای اش مورد توجه محققان دیگر رشته ها از جمله جامعه شناسان نیز قرار گرفت. عده ای بیشتر به جنبه فوکویی آن می پردازند و به رابطه زبان، ایدئولوژی و گفتمان شناسی سیاسی توجه نشان می دهند و عده دیگری که زبان شناسان در رأس آنان قرار دارند به تحلیل گفتمان از جنبه زبان شناسی آن و مخصوصاً به زبان شناسی متن بنیاد و نظریات هالیدی گرایش دارند. البته تحلیل گفتمان در حوزه ادبیات بیشتر با مباحث زبان شناسی و معنا شناسی در ارتباط است. در دهه هشتاد، نویسندگان علاوه بر پرداختن به مباحث نظری تحلیل گفتمان به تحلیل گفتمانی متون ادبی نیز توجه نشان دادند و مقالاتی نیز در این زمینه نوشته شد. پایان نامه های زیادی نیز در زمینه تحلیل گفتمان به زبان فارسی نوشته شده است که تعدادی از آنها به تحلیل متون ادبی اختصاص دارند. بررسی این نمونه ها نشان می دهد که نویسندگان آنها بیشتر از الگوی هالیدی و حسن بهره گرفته اند؛ آنان با بهره گیری از مبانی نظری دستور نقش گرای

---

\* استادیار دانشگاه پیام نور مرکز رشت

هالیدی به بررسی ساخت متنی، ساخت اندیشگانی و ساخت بینافردی متون ادبی توجه نشان داده‌اند و پس از آن الگوی تحلیل گفتمانی هج و ون لیوون مورد توجه این پژوهشگران بوده است.

به‌طور کلی از سه رویکرد در تحلیل گفتمان می‌توان سخن گفت: تحلیل گفتمان ساختگرا که برای تحلیل زبان در سطحی بالاتر از سطح جمله به کار گرفته می‌شود؛ تحلیل گفتمان نقشگرا که اولویت را به بافت کاربرد زبان می‌دهد؛ و تحلیل گفتمان انتقادی که بافت‌های وسیع‌تر اجتماعی، قدرت و ایدئولوژی را نیز در تحلیل به کار می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل گفتمان، میان‌رشته‌ای، متون ادبی، زبان‌شناسی، ساختارگرایی

## ۱. مقدمه

تحلیل گفتمان را اولین بار زلیگ هریس در سال ۱۹۵۲ به عنوان روشی برای تحلیل زنجیره کلام یا نوشتار به کار گرفت. از دید او تحلیل گفتمان یعنی ادامه رویکرد زبان‌شناسی توصیفی اما در حدی فراتر از جمله و ارتباط و همبستگی بین فرهنگ و زبان (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۱). گفتمان را «تلازم گفته با کارکردهای اجتماعی و معنایی» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) نیز دانسته‌اند. بعضی نیز گفتمان را مجموعه به‌هم‌تافته‌ای از عمل اجتماعی، عمل گفتمانی و متن می‌دانند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷).

استفاده رویکرد تحلیل گفتمان از اصطلاحات زبان‌شناسی سبب شده است که عده‌ای تحلیل گفتمان را «شاخه علمی بین‌رشته‌ای در زبان‌شناسی» (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: نه) بدانند، این در حالی است که جامعه‌شناسان به دلیل آنکه تحلیل گفتمان به بررسی کارکرد زبان در جامعه می‌پردازد آن را متعلق به حوزه خود می‌دانند. به نظر یوهان سون، همه آنهايي که به تجزیه و تحلیل گفتمان می‌پردازند الزاماً زبان‌شناسی را مدل کار خود قرار نمی‌دهند و از پدیدارشناسی که شاخه‌ای از فلسفه است نیز بهره می‌گیرند (ر. ک. یوهان سون، ۱۳۸۷: ۱۲۸). باید توجه داشت که بین‌رشته‌ای بودن این رویکرد می‌تواند نشان‌دهنده این نکته اساسی باشد که تحلیل گفتمان رویکردی است که از تعامل رشته‌های گوناگون از جمله زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، نقد ادبی و... به ظهور رسیده است.

از آنجا که امروزه تحلیل گفتمان به عنوان یکی از روشهای بازخوانی متون به کار

گرفته می‌شود ضرورت دارد که نحوه به‌کارگیری این رویکرد را در متون فارسی، بخصوص در متون ادبی مورد نقد و بررسی قرار دهیم تا به شیوه‌های تحلیلی کارآمدتر و دقیق‌تری برای خوانش متون دست یابیم. در زمینه تحلیل گفتمانی متون ادب فارسی مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی نوشته شده است که بخشی از این مقاله به نقد و مرور این آثار اختصاص دارد، اما در زمینه بررسی نقش و جایگاه تحلیل گفتمان در پژوهش‌های ادب فارسی پژوهشی انجام نشده است؛ از این رو این مقاله به دنبال آن است که پژوهش‌های این حوزه از قبیل کتابها، مقالات و پایان‌نامه‌ها را مورد نقد و داوری روش‌شناختی قرار دهد. در این میان یکی از مقالاتی که به تحلیل گفتمانی متنی داستانی مربوط است به تفصیل بیشتری مورد نقد و واکاوی قرار گرفته است. همچنین برای نشان دادن سیر گسترش این رویکرد در زبان فارسی به بررسی بعضی از کتابهایی که به مفاهیم نظری تحلیل گفتمان اختصاص دارند پرداخته شده است.

## ۲. مؤلفه‌های تحلیل گفتمان

در تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناختی صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی بافت متن (Co-Text) سروکار نداریم بلکه فراتر از آن با عوامل برون‌زبانی یعنی بافت موقعیتی (Context of situation)، فرهنگی و اجتماعی نیز روبه‌رویم. به این دلیل است که براون و یول در تعریف تحلیل گفتمان نوشته‌اند: تحلیل گفتمان ضرورتاً تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است که در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورتهای زبانی مستقل از اهداف و نقشهایی باشد که این صورتهای برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده‌اند (Brown & Yule, 1983:1). تحلیل گفتمان در پی آن است که کشف کند کارکردهای اجتماعی که مختصات آن در لایه‌های زیرین گفتمان لانه گرفته‌اند، چگونه در گفتمان در لایه‌های زیرین تصویرسازی یا بازنمایانده شده‌اند. در چنین پژوهشی تعدادی از مؤلفه‌ها (Features) یا ساختارها (Structures) که گفتمان‌مدار (Discursive) هستند، انتخاب می‌شوند و سپس با به‌کارگیری این مؤلفه‌ها می‌توان به تجزیه و تحلیل متون مورد نظر پرداخت (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۵).

در تحلیل گفتمانی متون از الگوهای گوناگونی استفاده می‌شود؛ یکی از این الگوها براساس مبانی نظری دستور نقش‌گرای هالییدی طراحی شده است و در آن از ساخت اندیشگانی، ساخت متنی و ساخت بینافردی متون سخن می‌رود که در ادامه به بررسی هر یک از این مؤلفه‌ها می‌پردازیم.

#### ۲-۱. ساخت اندیشگانی

این ساخت به سه بخش فرایند، مشارکین فرایند و عناصر پیرامونی فرایند تقسیم می‌شود. منظور از فرایند یک واقعه، کنش، حالت، احساس، گفتار و چگونگی بودن چیزها و پدیده‌هاست. فرایندها را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: ۱- فرایند مادی: آن دسته از افعالی را شامل می‌شود که نشان‌دهنده عمل مادی باشند مانند دویدن، پختن و نشستن. ۲- فرایند ذهنی: این فرایند شامل افعالی است که بیانگر اندیشه، احساس و ادراک شخصی باشد، افعالی از قبیل فکر کردن، فهمیدن و شناختن از این نوع‌اند. ۳- فرایند رابطه‌ای: این فرایند بر بودن و هستی پدیده‌ها و چیزها دلالت می‌کند یعنی چگونگی و کیفیت پدیده‌ها را مشخص می‌نماید. از آنجا که این فرایند ویژگی یا خصوصیتی را به چیزی و یا پدیده‌ای نسبت می‌دهد به آن فرایند وجودی نیز می‌گویند. افعالی از قبیل شدن، گردیدن، استن و بودن از این قبیل‌اند. ۴- فرایند کلامی: این فرایند شامل افعالی همچون بیان کردن، گفتن، پرسیدن و تکرار کردن است که در آن «فعل» به معنای «گفتن» محور اصلی است. ۵- فرایند رفتاری: این فرایند با فرایندهای زیست‌شناختی (فیزیولوژیکی) انسان ارتباط دارد. تماشا کردن، خیره شدن و گوش کردن از این نوع‌اند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۴). مشارکین فرایند عناصری‌اند که یا عامل فرایند هستند، یا فرایند بر آنها اعمال می‌شود و یا از فرایند بهره‌مند می‌شوند و عناصر پیرامونی عناصری‌اند که زمان و مکان و شیوه عمل و وسایل و شرایط فرایند را فراهم می‌کنند (ر. ک. مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۳۹-۴۸).

#### ۲-۲. ساخت متنی

ساخت متنی ساختی است که ضمن آن گوینده یا نویسنده پیامی را که مبتنی بر دو عملکرد اندیشگانی و بینافردی است به صورت گفته یا نوشته سازمان می‌دهد و به دیگران منتقل می‌کند، درواقع این بخش نقش سازماندهی پیام را به عهده دارد. هالییدی ساخت متنی بند را به دو ساخت «مبتدا - خبری» و ساخت «اطلاعاتی» و «انسجام» تقسیم

می‌کند. ساخت مبتدا - خبری نشان می‌دهد که نزد گوینده، بند درباره چیست. «مبتدا» موضوع و مسئله اصلی پیام است و پیام هر چه باشد درباره آن است. به نظر هالییدی مبتدا عبارت است از آنچه که بند یا جمله درباره آن بیان می‌شود، به عبارت دیگر او مبتدا را نقطه آغاز پیام و یا عنصری که قرار است درباره آن گفتگو شود معرفی می‌کند (Haliday, 1985:39).

ساخت اطلاعاتی حاصل کنش متقابلی است میان آنچه بر شنونده آشکار است یعنی اطلاع کهنه و آنچه بر او ناشناخته است یعنی اطلاع نو. انسجام نیز مناسبات معنایی است که میان عناصر یک متن وجود دارد و به سه بخش تقسیم می‌شود: انسجام دستوری، انسجام واژگانی و انسجام پیوندی. انسجام دستوری عبارت است از: ارجاع، حذف و جای‌گزینی. انسجام واژگانی عبارت است از تکرار، هم‌معنایی، تضاد معنایی، شمول معنایی، رابطه جزء و کل و هم‌آیی. منظور از انسجام پیوندی نیز حروف ربطی است که در جمله‌ها به کار گرفته می‌شود. به این نکته نیز باید توجه کرد که آنچه در بحث انسجام اهمیت دارد، صرف وقوع یا تواتر نیست بلکه تفسیر چرایی و چگونگی آنهاست، به بیانی دیگر توصیف روابط انسجامی در متن به تنهایی فاقد ارزش است زیرا به نتیجه مطلوب و قابل اطمینانی نخواهد رسید بلکه به همراه توصیف دقیق، تفسیر و تحلیل مستدل ضروری است (بهنام، ۱۳۷۹: ۳-۴).

### ۲-۳. ساخت بینافردی

زبان برای برقراری، حفظ و تنظیم روابط اجتماعی به کار گرفته می‌شود، مشارکین کنش کلامی با هم رابطه برقرار می‌کنند و در این رابطه هر یک ایفاگر نقشی می‌شود: خبری می‌دهد، فرمانی می‌دهد، سؤالی می‌پرسد و پیشنهادی مطرح می‌کند؛ اینکه این نقشها چگونه توزیع می‌شود بستگی به چگونگی بافت ارتباط کلامی و جایگاه هر یک از مشارکین در آن بافت دارد، اینها نقش بینافردی زبان را رقم می‌زند. این نقشهای ارتباطی و به بیانی کنشهای کلامی در لایه واژی - دستوری زبان به وسیله ساختار وجهی بند تحقق می‌یابند. وجه فعل قضاوت گوینده را نسبت به وقوع فعل یعنی قطعی یا غیرقطعی بودن و یا امری بودن آن نشان می‌دهد (ر. ک. مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۲۷ و ۵۰-۵۳).

### ۳. تحلیل گفتمان و متون ادبی

مطالعه گفتمانی بین متنهایی که به عنوان اثر ادبی شناخته می‌شوند و متنهایی که غیرادبی به شمار می‌روند تفاوت چندانی قائل نیست، هر چند نظریه پردازان گفتمان بر تفاوت‌های این دو مجموعه متون آگاه‌اند، به عنوان مثال متون تاریخی به دلیل رابطه‌ای که با حقیقت دارند تشخیص می‌یابند و متون ادبی، رابطه پیچیده‌ای هم با حقیقت، هم با ارزش دارند، از یک سو حقیقتی را درباره وضعیت انسان ارائه می‌دهند و از سوی دیگر آن حقیقت را در درون یک فرم خیالی و بنابراین غیرحقیقی عرضه می‌کنند (میلز، ۱۳۸۲: ۳۴). آن چنان که فرمالیست‌ها می‌گویند نویسندگان متون علمی و صرفاً اطلاعاتی می‌کوشند تا از ابهام و چندمعنایی پرهیز کنند اما آفریننده اثر ادبی عمداً زبانی را بر می‌گزیند که پر از ابهام، معانی چندگانه و سایه‌روشنهای معنایی است، به این دلیل که او به دنبال انتقال اطلاعات نیست بلکه می‌خواهد عواطف و تجربیات انسان را به تصویر بکشد (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۰۱-۲۰۲).

بر اساس یک ملاک فوکویی، ادبیات علاوه بر اینکه ابزاری است که از طریق آن حسّی از یک فرهنگ ملی تثبیت می‌شود، در عین حال ابزاری است که از طریق آن، هنجارهای یک فرهنگ مشترک می‌توانند مورد چون و چرا قرار بگیرند (میلز، ۱۳۸۲: ۳۷). مسئله زبان، ایدئولوژی، جهان‌بینی و قدرت که از مفاهیم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی‌اند، در تحلیل متون ادبی بسیار پررنگ ظاهر شده‌اند، رونالد کارتر معتقد است واژه ادبیات را جدا از اصطلاح ایدئولوژی نمی‌توان تعریف کرد. برج نیز بر این اعتقاد است که زبان‌شناسان و منتقدان با فرایندهای فرهنگی سروکار دارند که مملوّ از مسائل ایدئولوژیکی است، بنابراین نباید به داشتن نقش بی‌طرفانه و خنثای علمی تظاهر کنند. در همین راستا، «تاریخ‌گرایی نوین» که برگرفته از آراء میشل فوکو است به عنوان یکی از مفاهیم بنیادی در مطالعه متون ادبی از نگاه تحلیل گفتمان انتقادی مطرح می‌شود. در این نگرش، تاریخ زمینه‌ای برای ادبیات نیست بلکه این ادبیات است که زمینه فهم تاریخ را فراهم می‌کند. پیروان این رویکرد، ادبیات را سرشار از دروغهایی می‌دانند که حقیقت در پشت آنها نهفته است و تاریخ برخلاف آن پر از وقایع و مکتوبات ثبت شده‌ای است که در پشت آن دروغ پنهان است. بنابراین، این اثر ادبی است که با نمایش نظامهای رفتاری و اجتماعی، سند تاریخی محسوب می‌شود و می‌توان آن را «تاریخ فعال» دانست)

آفاگل زاده، ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱).

تجزیه و تحلیل گفتمانی یک متن ادبی در واقع نگرشی سبک‌شناسانه نیز محسوب می‌شود. این نوع بررسی هم در حوزه ارزیابی ارزش‌های ادبی و هم در زمینه شناخت ابزارهای مؤثر زبانی بسیار کارآمد است و می‌تواند راهی را برای شناخت مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی و درک و نمایاندن حقایق پشت پرده که از اهداف تحلیل گفتمان است به سوی تحلیلگر بگشاید. تحلیل متن ادبی علاوه بر توصیف و تبیین باید مضمّن تفسیر و تأویل نیز باشد. تجزیه و تحلیل و توصیف ممکن است نادرست باشد اما در تفسیر و تأویل درستی و نادرستی مطرح نیست بلکه می‌تواند قانع کننده و مورد قبول باشد و یا مورد پسند کسی قرار نگیرد، چراکه «تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسّر یا دانش زمینه‌ای اوست» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

زبان‌شناسان انتقادی رمز موفقیت در تعامل پویا بین ادبیات و زبان‌شناسی را در رویکرد و نگاه میان‌رشته‌ای به تحلیل می‌دانند، چراکه زبان‌شناسی و ادبیات به سبب مقاصد جداگانه هر کدام محدودیتها و تنگناهای بسیاری را فراروی تحلیلگر قرار می‌دهد. به اعتقاد آنان، به رویکردی نیازمندیم که دیدگاههایی از حوزه‌های جامعه‌شناسی، فلسفه، تاریخ، سیاست و... را شامل شود. برابرسازی زبان ادبیات و هر نوشته دیگر برای نقد زبان‌شناختی ضروری است. زیرا در نگاه تحلیلگران گفتمان انتقادی، متن تعاملی ارتباطی بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در درون بافتهای اجتماعی و نهادهای مربوط به آن است. برای تحلیل متون ادبی نیز ضرورت دارد که بر ابعاد تعاملی متون ادبی تأکید شود. این‌گونه تلقی از ادبیات به منزله گفتمان، متن ادبی را میانجی روابط بین استفاده‌کنندگان زبان اعم از روابط گفتاری و روابط مبتنی بر آگاهیهای ایدئولوژیکی، و نقش و وظایف اجتماعی می‌داند و بدین‌گونه، متن ادبی به یک کنش یا فرایند تبدیل می‌شود (ر. ک. آفاگل زاده، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۴).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که تجزیه و تحلیل متون ادبی در مقایسه با سایر متون پیچیدگیهای بیشتری دارد. این پیچیدگی در درجه اول ناشی از ابهامی است که امروزه آن را لازمه یک اثر ادبی می‌دانند. همچنین در یک اثر ادبی ممکن است واژه‌ای در معنی مجازی یا استعاری به کار رود و یا شاعر و نویسنده از اغراق و کنایه بهره گیرد. به این دلیل توجه به شاعر یا نویسنده و ویژگیهای او و اعتقاداتش و

بافت موقعیتی که در آن قرار گرفته است اهمیت زیادی دارد. البته توجه به روابط بینامتنی و نیز توجه به این نکته که متون ادبی می‌توانند در خوانشهای مختلف، معانی گوناگونی را نیز با خود به همراه داشته باشند مسئله مهمی است که تحلیلگر گفتمان باید آن را مد نظر قرار دهد.

#### ۴. تحلیل گفتمان در زبان و ادب فارسی

در اولین سالهای دهه هفتاد رویکرد تحلیل گفتمان در ایران در نوشته‌های زبان‌شناسان مطرح شد. کاظم لطفی‌پور ساعدی (۱۳۷۱) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی به سخن‌کاوی» که در مجله زبان‌شناسی چاپ شد، اصطلاح «سخن‌کاوی» را به جای «Discourse Analysis» به کار برد و به اندیشه‌ها و شاخه‌هایی از علوم که در شکل‌گیری این رویکرد مؤثر بوده‌اند اشاره کرد. البته او معتقد است که سخن‌کاوی که نگرش بسیار تازه‌ای در مطالعات زبانی محسوب می‌شود، درحقیقت چندان هم جدید نیست، زیرا در دستور زبان سنتی و در کنار قواعد دستوری و کاربرد درست زبان، شاخه‌ای دیگر با عنوان معانی و بیان دیده می‌شود که اصول طرح و سازمان‌بندی کلام و روشهای مختلف خطابه و بیان را مورد بحث قرار می‌دهد. به نظر لطفی‌پور سخن‌کاوی یا تجزیه و تحلیل کلام مطالعه فرایند پویای شکل‌گیری ارزش‌پیامی عناصر زبانی در موقعیتهای مختلف و تحت شرایط اجتماعی متفاوت است.

یارمحمدی (۱۳۷۲) در مقاله «ویژگیهای گفتمانی نوشته علمی» که در کتاب *شانزده مقاله در زبان‌شناسی کاربردی و ترجمه به چاپ رسید*، به تحلیل گفتمانی نوشته‌های علمی توجه نشان می‌دهد و ویژگیهای چنین تحلیلی را بر می‌شمرد. به نظر او مطالعه نظام‌مند در قالب چارچوبهای مشخص نظری درباره متن و گفتمان را می‌توان رشته‌ای نوپا به شمار آورد. به اعتقاد او گفتمان به‌طور کلی به ساخت یا بافت زبان در مراحل بالاتر از جمله اطلاق می‌شود، بنابراین تجزیه و تحلیل گفتمانی ساخت و بافت پاراگراف، مقاله، داستان، گفتگو، آگهی، دعوت‌نامه، سرمقاله، حتی رباعی، قصیده و... را مورد بررسی و توصیف قرار می‌دهد. یارمحمدی در این مقاله به مباحثی همچون چارچوب فکری و معرفت‌زمینه‌ای، عملکردهای زبان و عوامل انسجام و نیز ارتباط آغازگر و بیانگر (مبتدا و

خبر) پرداخته است. او با بهره‌گیری از نظر هالیدی در کتاب *مقدمه‌ای بر دستور کارکردی* سه نقش عمده برای زبان قائل است: عملکرد تجربی، عملکرد اندرکنشی و عملکرد متنی. مهاجر و نبوی (۱۳۷۶) در کتاب *به سوی زبان‌شناسی شعر* از اولین کسانی‌اند که با رویکرد تجزیه و تحلیل کلام به متون ادبی توجه نشان داده‌اند. نویسندگان این کتاب با ارائه الگوی نقش‌گرایی هالیدی و حسن به بازخوانی چند شعر نیمه پرداخته‌اند. ساخت اندیشگانی، ساخت بینافردی و ساخت متنی که در کتاب یارمحمدی (۱۳۷۲) با عناوین *عملکرد تجربی، عملکرد اندرکنشی و عملکرد متنی* از آن یاد شده بود، از جمله مباحثی است که در این کتاب و در خوانش اشعار نیمه مورد بررسی قرار گرفته است.

رویکرد تحلیل گفتمان هرچند در ایران به وسیله زبان‌شناسان معرفی شد، اما به دلیل ماهیت بین‌رشته‌ای‌اش مورد توجه محققان دیگر رشته‌ها نیز قرار گرفت. در مجموعه مقالات *گفتمان و تحلیل گفتمانی* که به اهتمام محمدرضا تاجیک (۱۳۷۹) منتشر شد تلاش شده است تا از منظرهای گوناگون به تحلیل گفتمان توجه شود و کارکردهای آن در تبیین و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. هرچند نیمی از مقالات این کتاب ترجمه است، اما این کتاب گام خوبی در جهت پیوند زدن تحلیل گفتمان و جامعه‌شناسی و نیز نشان دادن ماهیت بین‌رشته‌ای این رویکرد برداشته است. مقالاتی همچون «درآمدی بر تحلیل گفتمان» نوشته شعبانعلی بهرامپور، «متن، وانموده و تحلیل گفتمان» نوشته محمد رضا تاجیک و «نظریه گفتمان» نوشته امیرمحمد حاجی یوسفی از مقالات ارزشمند این مجموعه مقالات است. بهرامپور (۱۳۷۹) در مقاله خود، خاستگاهها و بنیانهای فکری تحلیل گفتمان را که لطفی‌پور ساعدی (۱۳۷۱) نیز به آنها اشاره کرده بود بیان کرده و از اهداف و کارکرد اجتماعی تحلیل گفتمان سخن گفته است. به نظر او همچنان که گفتمان را در سطوح متفاوت، گفتمان به منزله متن، گفتمان به منزله کنش متقابل یا کردار گفتمانی و گفتمان در سطح اجتماعی، مد نظر قرار می‌دهیم، روش تحلیل گفتمان را نیز به همین ترتیب می‌توان به سطوح متفاوت توصیف (زبان‌شناختی متن)، تفسیر روابط بین فرایندهای تفسیری و تولید گفتمان و تبیین روابط بین فرایندهای گفتمانی و فرایندهای اجتماعی تفکیک کرد.

*تحلیل انتقادی گفتمان* نوشته نورمن فرکلاف (۱۳۷۹) از اولین آثار مستقلی است که در زمینه تحلیل گفتمان به زبان فارسی ترجمه شده است. در بخش اول این کتاب مطالب

نظری دربارهٔ گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان و در بخشهای دوم و سوم مطالب عملی و کاربردی دربارهٔ این رویکرد آمده است. به نظر نویسندگان، رویکردهای غیرانتقادی در زبان‌شناسی و مطالعات پدیده‌های زبانی، به تبیین شیوه‌های شکل‌گیری اجتماعی اعمال گفتمانی و یا تأثیر اجتماعی آنها توجه ندارند و صرفاً به بررسی توصیفی ساختار و کارکرد اعمال گفتمانی بسنده می‌کنند؛ اما تحلیل انتقادی در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت و پیش‌فرضهای دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان توجه می‌کند و عناصر زبانی و غیر زبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنشگران، هدف و موضوع مطالعه قرار می‌دهد.

اما در دههٔ هشتاد، نویسندگان علاوه بر پرداختن به مباحث نظری تحلیل گفتمان به تحلیل گفتمانی متون ادبی نیز توجه نشان دادند. «تجزیه و تحلیل گفتمانی داستان مدیر مدرسه در دو سطح خرد و کلان» از نمونه مقاله‌هایی است که نویسندگان آن جلال رحیمیان و آرزو مؤمنی (۱۳۸۱) به این رویکرد پرداخته‌اند که به‌طور جداگانه به بررسی این مقاله خواهیم پرداخت.

در این سالها کتاب *گفتمان* نوشتهٔ سارا میلز (۱۳۸۲) هم به فارسی ترجمه شد که در آن به مباحث نظری تحلیل گفتمان پرداخته شده است. نویسنده در فصلهای سه و چهار این کتاب بیشتر به نوشته‌های فوکو استناد کرده است و با بهره‌گیری از نظریات او بیان می‌کند که می‌توان ادبیات را همچون یک گفتمان دانست و مورد تحلیل قرار داد. به نظر او ادبیات به مثابه پایگاه ممتاز نقد و تحلیل یا مجموعه‌ای اختیاری از قراردادهایی است که ما آنها را به عنوان قراردادهای ادبی قرائت می‌کنیم.

یارمحمدی را می‌توان از پرکارترین نویسندگان در زمینهٔ تحلیل گفتمان محسوب کرد که علاوه بر نوشتن کتاب و مقاله، پایان‌نامه‌های زیادی را نیز در این زمینه راهنمایی و مشاوره کرده است. علاوه بر کتابی که پیش از این نام بردیم، یارمحمدی (۱۳۸۳) در کتاب *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی* مباحث ارزشمندی را دربارهٔ تحلیل گفتمان مطرح کرده است. او در مقاله «ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومهٔ انگلیسی فیتز جرالده» که در این کتاب آمده است، کاربرد تحلیل گفتمان را در متون ادبی نشان می‌دهد. یارمحمدی پس از بیان مباحثی در زمینهٔ معرفت‌زمینه‌ای و چارچوبهای فکری، به بررسی چارچوب فکری- صوری رباعیات خیام و مقایسهٔ آن با منظومهٔ فیتز جرالده پرداخته است. بررسی

تمهیدات پیوندی در رباعیات خیام و منظومه فیتز جرالد بخش دیگری از این مقاله است، به نظر او عواملی مانند ارجاع، جانشینی، حذف به قرینه، ربط و عوامل واژگانی به متن انسجام می‌بخشد. یارمحمدی معتقد است که در شعر عامل پیوند واژگانی اهمیت زیادی دارد و همچنین در شناخت ویژگیهای سبکهای مختلف یک زبان و یا گونه‌های مختلف نوشتار در زبانهای گوناگون می‌توان از آن به‌خوبی بهره گرفت.

یارمحمدی (۱۳۸۵) در اثر دیگرش *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی* نیز به تحلیل گفتمان پرداخته است. او در مقاله اول این کتاب به مبحث ارتباط و مهارتهای ارتباطی از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی توجه نشان داده و در مقاله دوم و سوم، تحلیل گفتمانی چند متن برگزیده و ارائه مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در آنها را مد نظر قرار داده است؛ البته متون مورد استفاده او در این پژوهشها بیشتر روزنامه‌ها بوده‌اند. دیگر مقالات این کتاب به مباحث زبان‌شناسی، مشکلات معادل‌گزینی، نقد و تحلیل کتابهای درسی و تأثیر فرهنگ اسلامی بر امثال فارسی اختصاص دارد و ارتباطی با عنوان کتاب و تحلیل گفتمان ندارد.

فردوس آقاگل‌زاده نیز از نویسندگان پرکار در زمینه تحلیل گفتمان است. آقاگل‌زاده (۱۳۸۴) در مقاله «کاربرد آموزه‌های زبانی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی»، ضمن معرفی رویکرد نقش‌گرایی هالیدی و توضیح در مورد اصطلاحاتی همچون معنای اندیشگانی یا فرانقش تجربی، معنای میان‌اشخاصی یا فرانقش بینافردی و معنای متنی یا فرانقش متنی به بررسی غزلی از حافظ براساس این رویکرد پرداخته است تا کارایی مفاهیم و آموزه‌های دیدگاه نقش‌گرا را به علاقه‌مندان تجزیه و تحلیل متون ادبی نشان دهد. او در تحلیل خود به روابط منطقی در متن، تحلیل ساخت منطقی، تحلیل طرحهای واژگانی، انسجام، فرایندهای تعدی، ساخت مبتدایی با مد نظر قرار دادن فرایندهای مادی، ذهنی، اسنادی، رفتاری، کلامی و وجودی و تجزیه و تحلیل متن از نظر زمان دستوری و وجه توجه نشان داده است.

*تحلیل گفتمان انتقادی* اثر دیگر آقاگل‌زاده (۱۳۸۵) اولین اثر تألیف شده در زبان فارسی است که رویکردهای گوناگون تحلیل گفتمان از جمله رویکرد نقش‌گرایی هالیدی، گیون، هاپر، لاسنیک و رویکرد فرایندمحور وندایک و نیز رویکرد حل مسئله مایکل هویی را معرفی و با یکدیگر مقایسه کرده است. همچنین به رویکردهای مهم تحلیل گفتمان

انتقادی از قبیل آراء روث وداک، فرکلاف و گوتتر کرس نیز پرداخته است. بخش دیگری از این کتاب به بیان سابقه و پیشینه مطالعات انجام شده در زبان‌شناسی که به پیدایش تحلیل گفتمان منجر شد اختصاص دارد. در این کتاب همچنین فرضیه نقش گفتمان و ایدئولوژی و جهان‌بینی و ارتباط زبان و قدرت در متون مطبوعات ایران به‌طور خاص، و در تولید و درک هرگونه متنی اعم از فلسفی، تجربی و عرفانی به‌طور عام، با آزمونهای متعدد مورد تأیید قرار گرفته است. این کتاب به دلیل بیان مباحث نظری تحلیل گفتمان بسیار ارزشمند است.

«تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات» مقاله دیگری از آفاگل‌زاده (۱۳۸۶) است که در آن به رابطه تحلیل گفتمان با ادبیات پرداخته است. به نظر او تحلیل گفتمان از طریق سبک‌شناسی، نقد ادبی و مطالعات تحلیل متون ادبی با ادبیات در ارتباط است. آفاگل‌زاده فاولر را اولین زبان‌شناسی می‌داند که الگو و نظریه نسبتاً جامع و منسجمی را برای نقد متون از جمله متون ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی انتقادی ارائه نموده است. او مدل دیدگاه روایی فاولر را شامل چهار سطح عبارت‌شناختی، مکانی-زمانی، ایدئولوژیکی و روانشناختی می‌داند.

پایان‌نامه‌های زیادی در زمینه تحلیل گفتمان به زبان فارسی نوشته شده‌اند که تعدادی از آنها به تحلیل متون ادبی اختصاص دارند که در اینجا به ترتیب زمان دفاع به نمونه‌هایی از این پایان‌نامه‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- تحلیل بوف کور بر اساس زبان‌شناسی متن‌بنیاد، رخسنده ره‌گوی، به راهنمایی دکتر علی‌محمد حق‌شناس، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶. این پایان‌نامه به بررسی و تحلیل بوف کور صادق هدایت اختصاص دارد. در این پایان‌نامه پس از بیان مبانی نظری و معرفی دستوره‌های نقش‌گرا، به معرفی نظریه نقش‌گرای متن‌بنیاد هالییدی پرداخته شده است و پس از آن تحلیل ساختاری بوف کور براساس این نظریه مد نظر نویسنده قرار گرفته است. تفسیر واژی- دستوری متن و ارزیابی آن از جمله مباحث این بخش است.

۲- نقد زبان جای خالی سلوچ بر مبنای زبان‌شناسی متن‌بنیاد، خاطره شیانی، به راهنمایی دکتر علی‌محمد حق‌شناس، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

این پایان‌نامه، نظریه زبان‌شناسی متن‌بنیاد هالیدی را بر رُمان *جای خالی سلوچ* اثر محمود دولت‌آبادی آزموده است. نویسنده با انتخاب دو متن که برگرفته از دو کنش متقابل اصلی داستان‌اند، به تحلیل بندهای برگزیده پرداخته و ساخت متنی، بینافردی و اندیشگانی این دو متن و بافت موقعیتی آنها را بررسی کرده است.

۳- زبان در شعر فروغ فرخزاد؛ یک رویکرد متن‌بنیاد براساس دستور نقش‌گرا، آناهیتا کارآمد هوتک، به راهنمایی دکتر علی‌محمد حق‌شناس، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

این پایان‌نامه نیز همچون دو پایان‌نامه قبل، پس از بیان مبانی نظری دستور نقش‌گرای هالیدی، به تجزیه و تحلیل متون ادبی اختصاص یافته است. در این پژوهش چند شعر از فروغ فرخزاد بر اساس ساخت متنی، بینافردی و اندیشگانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نویسنده پس از تحلیل واژی- دستوری اشعار مذکور و برشمردن ویژگیهای زبانی این اشعار، نتیجه می‌گیرد که به‌رغم باور صورت‌نگرایان، آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی، عامل اساسی ساختن زبان هنری در این اشعار نیست. او توانایی بالای رساندن لفظ به سطح دوم نشانه‌شناختی (مضمون) را در اشعار فرخزاد تأیید می‌کند و آن را مهم‌ترین عامل خلق زبان زیبا، رسا و هنرمندانه‌اش می‌داند.

۴- تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات عاشقانه سعدی، ایرج شهبازی، به راهنمایی دکتر عبدالمهدی ریاضی، کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.

هدف این پژوهش تجزیه و تحلیل غزلیات سعدی در سطح ساخت کلان، خرد و عوامل انسجامی است. نویسنده برای بررسی عوامل انسجامی از الگوی هالیدی و حسن استفاده کرده و برای بررسی غزلیات در ساخت خرد و الگوهای نحوی از دستور فرشی‌دورد بهره گرفته است و یازده الگوی نحوی را مورد توجه قرار داده است که عبارت‌اند از: جملات فعلی، اسمی، معلوم، مجهول، بسیط، مرکب، خبری، پرسشی، شرطی، امری و عاطفی. نویسنده در بخش نتایج پژوهش خود، مدعی شده است که از عامل انسجام جایگزینی در غزلیات سعدی استفاده نشده است که به نظر می‌رسد این نتیجه‌گیری، نتیجه‌گیری درستی نیست و نیاز به بازنگری دارد.

۵- تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات ترکی مأذون (شاعر قشقایی)، شهیدقلی

حسینی، به راهنمایی دکتر لطف‌الله یارمحمدی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۹.

در این پژوهش پنجاه غزل عاشقانه از مأذون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نویسنده این پایان‌نامه نیز همچون پایان‌نامه قبل، برای مطالعه عوامل انسجامی از الگوی هالییدی و حسن و برای بررسی سطح خرد از شیوه فرشیدورد بهره گرفته است. جالب اینجاست که نتایج به دست آمده از این پژوهش نیز همچون پژوهش قبلی است و این نویسنده نیز ادعا کرده است که از عامل انسجام جایگزینی در غزلیات مأذون استفاده نشده است. طرح به دست آمده از ساخت کلان و سازه‌های اصلی زیرساخت غزلیات در هر دو پایان‌نامه نیز مانند یکدیگر است.

۶- تجزیه و تحلیل زبان‌شناسانه اشعار فروغ فرخزاد، فرامرز افراسیابی، به راهنمایی دکتر لطف‌الله یارمحمدی، کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.

در این پایان‌نامه دو نوع تحلیل، یکی در خصوص هنجارگریزی و دیگری درباره نوع و میزان کاربرد عوامل انسجامی صورت گرفته است. در بررسی عوامل انسجامی، نویسنده از الگوی هالییدی و حسن استفاده کرده است. به نظر نویسنده، انسجام واژگانی از نوع تکرار، باعث ایجاد گره‌های انسجامی و پیوستگی شعری فرخزاد شده است.

۷- بررسی دیدگاه روایی در سه داستان کوتاه صادق چوبک؛ با رویکردی به تحلیل کلام انتقادی، فاطمه علوی، به راهنمایی دکتر علی افخمی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

این پایان‌نامه که بر پنج فصل مشتمل است به تحلیل دیدگاه روایی سه داستان کوتاه قفس، دسته گل و پاچه‌خیزک از صادق چوبک می‌پردازد و در این راستا از نگرش زبان‌شناختی بهره می‌گیرد. رویکرد غالب در این پژوهش، رویکرد تحلیل کلام انتقادی است زیرا تحلیل ایدئولوژیکی دیدگاه نویسنده را در تعامل با خواننده، هدف غایی خود قرار داده است. به این منظور طبق نظر راجر فالر و دیگر تحلیلگران کلام انتقادی، ادبیات نه به عنوان هنر کلامی، بلکه به عنوان زبان و به عنوان کلام در نظر گرفته می‌شود، پس می‌تواند همانند متون دیگر بستری برای انتقال ایدئولوژی و در نتیجه ابزاری انتقادی باشد. در این پایان‌نامه، ابتدا تاریخچه رویکردهای زبان‌شناختی به ادبیات بررسی شده است. پس از آن رویکرد تحلیل کلام انتقادی مورد مطالعه قرار گرفته است. فصل چهارم

به چارچوب تحلیل داده‌ها و فصل پنجم به شرح و توضیح دیدگاه‌های زمانی، مکانی و روانشناختی در هر داستان اختصاص دارد. این پژوهش با استفاده از این سه دیدگاه به تعیین دیدگاه ایدئولوژیکی نویسنده می‌پردازد.

۸- بررسی تحلیل انتقادی گفتمان داستانهای کوتاه معاصر بزرگسالان و داستانهای کوتاه معاصر نوجوانان، لیلا قنبری، به راهنمایی دکتر لطف‌الله یارمحمدی، کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۲.

این پژوهش به بررسی و مقایسه ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار موجود در داستانهای کوتاه معاصر بزرگسالان و نوجوانان پرداخته است و می‌کوشد تا نشان دهد که نویسندگان ادبی تا چه حد و به چه منظور از این ساختارها و مؤلفه‌ها استفاده کرده‌اند. در این پایان‌نامه تعداد ساختارهای گفتمان‌مدار موجود در متن براساس الگوی ون لیوون، تعیین و شمارش شده است. به نظر نویسنده در متون ادبی علاوه بر مؤلفه‌های مطرح شده در الگوی ون لیوون، مؤلفه‌های دیگری نیز وجود دارد که باعث پنهان‌کاری و پوشیدگی سخن می‌شود. به نظر او میزان به‌کارگیری مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در داستانهای بزرگسالان بیش از داستانهای نوجوانان است، اما از مؤلفه‌های ادبی در داستانهای نوجوانان بیش از داستانهای بزرگسالان استفاده شده است.

۹- تحلیل گفتمانی مجموعه یکی بود یکی نبود جمال‌زاده، زهرا همّتی‌راد، به راهنمایی دکتر محمدرضا پرهیزگار، کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۲.

در این پایان‌نامه مجموعه داستانی یکی بود یکی نبود جمال‌زاده در دو سطح خرد و کلان و عوامل انسجامی مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده در سطح کلان از الگوی هیچ، در بررسی عوامل انسجامی از الگوی هالیدی و حسن و در سطح خرد و تجزیه و تحلیل الگوهای نحوی از الگوی شفایی بهره گرفته است. به نظر نویسنده تجزیه و تحلیل داستان در سطح ساخت کلان نشان می‌دهد که الگوی مجموعه یکی بود یکی نبود با اصول ارائه شده در مدل گفتمانی هیچ مطابقت دارد. تجزیه و تحلیل عوامل انسجامی داستان نیز نشان می‌دهد که عامل انسجامی ارجاع بیش از سایر عوامل انسجامی در داستان به کار رفته و پس از آن به ترتیب عوامل حذفی، واژگانی، ربطی و... قرار دارد.

۱۰- تحلیل گفتمانی و متنی داستان مدیر مدرسه، رسول حسین‌زاده، به راهنمایی دکتر عامر قیطوری، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۸۳. در این پایان‌نامه، داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد از نظر عوامل انسجام متنی و تحلیل گفتمانی بررسی شده است. برای تحلیل متنی داستان در ساخت خرد از الگوی هالییدی و حسن و برای تحلیل گفتمانی کل داستان از الگوی هیچ استفاده شده است، البته منظور نویسنده از ساخت خرد، عوامل انسجام متن است، زیرا در نتیجه‌گیری از این بخش بیان می‌کند که مهم‌ترین نتیجه‌ای که از تحلیل داستان در سطح خرد می‌توان گرفت این است که بالا بودن عامل ارجاع، با داستانی و روایی بودن متن مدیر مدرسه همخوانی دارد. به نظر او با به کارگیری الگوی هیچ در بررسی ساخت کلان داستان می‌توان به چارچوب فکری نویسنده دست یافت.

بررسی پایان‌نامه‌هایی که به تحلیل گفتمانی متون ادبی فارسی پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که نویسندگان بیشتر این پایان‌نامه‌ها از الگوی هالییدی و حسن بهره گرفته‌اند؛ آنان با بهره‌گیری از مبانی نظری دستور نقش‌گرایی هالییدی به بررسی ساخت متنی، ساخت اندیشگانی و ساخت بینافردی متون ادبی توجه نشان داده‌اند و پس از آن الگوی تحلیل گفتمانی هیچ و ون لیوون مورد توجه این پژوهشگران بوده است. البته در این پایان‌نامه‌ها برای بررسی الگوهای نحوی از کتابهای دستور زبان فارسی از جمله دستور فرشی‌دورد و شفایی نیز استفاده است.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که در بیشتر این پژوهشها، منظور از ساخت کلان چارچوبهای فکری و منظور از ساخت خرد بررسی الگوهای نحوی است، اما به نظر می‌رسد بعضی از این پژوهشگران از جمله حسین‌زاده (۱۳۸۳) به اشتباه ساخت خرد را بررسی عوامل انسجامی متن به شمار آورده‌اند. در بررسی عوامل انسجامی متون نیز بعضی از نویسندگان پایان‌نامه‌ها همچون شهبازی (۱۳۷۸) و حسینی (۱۳۷۹) به این نتیجه رسیده‌اند که در غزلیات عاشقانه سعدی و مآذون (شاعر قشقایی) عامل انسجامی جانشینی دیده نمی‌شود، در حالی که به نظر می‌رسد بهره‌گیری از استعاره در متون ادبی، خصوصاً در غزلیات عاشقانه، به نوعی بهره‌گیری از عنصر جانشینی است که این پژوهشگران به آن توجهی نداشته‌اند.

غیر از پایان‌نامه‌هایی که به تحلیل گفتمان در مفهوم کلی آن پرداخته‌اند

## جایگاه تحلیل گفتمان در واکاوی متون ادب فارسی ۲۲۳

پایان‌نامه‌هایی نیز تنها در زمینه انسجام (دستوری، واژگانی و پیوندی) نوشته شده‌اند. درواقع محققان تحلیل گفتمان به ساخت متنی در شعر و نثر ادبی بیشتر توجه نشان داده‌اند و در زمینه ساخت اندیشگانی و ساخت بینافردی متون ادب فارسی پژوهش‌های درخور توجه اندک است. پایان‌نامه‌های زیر درباره انسجام نوشته شده است:

۱- بررسی زبان‌شناختی عناصر انسجام در فارسی از دیدگاه تحلیل کلام بر مبنای متون داستانی، امرالله نصرآزادانی، به راهنمایی دکتر سید محمدتقی طیب، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۸.

۲- بررسی و مقایسه روابط انسجام پیوندی در متون داستانی کودکان و بزرگسالان، لیلی شوق الشعراء، به راهنمایی دکتر علی درزی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

۳- انسجام واژگانی در شعر معاصر فارسی، غلامرضا غیائی، به راهنمایی دکتر کاظم لطفی‌پورساعدی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

۴- انسجام واژگانی در داستانهای کوتاه زبان فارسی، شهربانو زکی‌پور لوخی، به راهنمایی دکتر نادر جهانگیری، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۳.

۵- بررسی انسجام دستوری در زبان فارسی؛ با نگاهی به آثار جلال‌آل احمد، محمدرضا خضرای یارندی، به راهنمایی دکتر علی درزی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

۶- به کارگیری روابط واژگانی در مثنوی و مقایسه آن با شاهنامه، مریم سعید دهقی، به راهنمایی دکتر میرجلال‌الدین کزازی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۷۹.

۷- مطالعه و بررسی انسجام دستوری در زبان فارسی با نگاهی به آثار صادق هدایت، مهناز علی خوبی، به راهنمایی دکتر علی درزی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۰.

۸- بررسی و مقایسه انسجام واژگانی در متون داستانی کودکان و بزرگسالان، ایران محرابی ساری، به راهنمایی دکتر منصور فهیم، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۰.

#### ۴-۱. بررسی نمونه‌ای از تحلیل گفتمانی متون ادب فارسی

«تجزیه و تحلیل گفتمانی داستان مدیر مدرسه در دو سطح خرد و کلان» نوشته جلال رحیمیان و آرزو مؤمنی از نمونه مقاله‌هایی است که به رویکرد تحلیل گفتمان پرداخته است. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آرزو مؤمنی است و در آن داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد در دو سطح خرد و کلان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش برای کشف ساخت کلان داستان و طرح کلی آن، از الگوی هیچ استفاده شده است. هیچ با تأکید بر عناصر تشکیل دهنده داستان و در نظر گرفتن آنها در تحلیل گفتمانی و متنی داستان، وجود این عناصر را برای هر داستانی ضروری می‌داند: زمان و مکان وقوع داستان، شخصیتها و نقش هر کدام همراه با توصیف آنها، هدف داستان که نویسنده و قهرمانان داستان به دنبال آن هستند، طرح مسئله‌ای که در داستان مطرح می‌شود و قبل از انتهای داستان به نقطه اوج می‌رسد و گره‌گشایی که برای حل مشکل داستان ارائه می‌شود و زمینه را برای مرحله نتیجه‌گیری فراهم می‌کند. در بخش دیگری که زیرمجموعه «ساخت کلان» داستان است به عوامل انسجامی پرداخته شده و برای کشف این عوامل از الگوی هالیدی و حسن استفاده شده است. ارجاع، جانشینی، حذف، عوامل ربطی و تعبیرات واژگانی از عوامل انسجامی‌اند که به آنها پرداخته شده است. بخش چارچوب نظری و شیوه تحلیل داده‌ها در سطح خرد به دو مسئله اختصاص پیدا کرده است: بخش اول بررسی الگوهای نحوی است که عبارت‌اند از: نوع جمله از نظر ساده یا مرکب بودن، شکل جمله از نظر خبری، پرسشی، امری، عاطفی، شرطی، معلوم و مجهول، و همچنین جمله از جنبه اسمیه یا فعلیه بودن. در بخش دوم نیز به سازکارهای سبکی داستان از جمله توصیف، تشبیه، اصطلاحات عامیانه و نثر شکسته پرداخته شده است.

در این مقاله ادعا شده است که «با دستیابی به ساخت کلان داستان، در حقیقت چارچوب فکری آل احمد را کشف خواهیم کرد» (رحیمیان و مؤمنی، ۱۳۸۱: ۴۳) اما آنچه در این بخش بررسی و کشف شده است تنها عناصر داستانی داستان مدیر مدرسه است نه چارچوب فکری نویسنده آن. در بخش نتیجه‌گیری نیز آمده است: «بررسی داستان در سطح کلان نشان می‌دهد که آل احمد با رعایت تمامی ملاکهای مورد نظر هیچ، اثری بسیار منسجم و ماهرانه بر جای گذاشته است. داستان، با مقدمه‌ای هیجان‌انگیز

شروع می‌شود. سپس مسائل رخ می‌نماید. بعد از آن داستان به نقطه اوج می‌رسد و در نهایت با استعفای مدیر به پایان می‌رسد» (همان: ۶۳). آن چنان که مشخص است در این مقاله حرفی از چارچوب فکری نویسنده داستان در میان نیست؛ علاوه بر این، در این پژوهش سخنی از «دانش زمینه‌ای» نیست، درحالی که برای دستیابی به چارچوب فکری نویسنده داستان، دانش زمینه‌ای بسیار کارآمد است و در تحلیل گفتمانی متون ادبی به این نکته باید بیشتر توجه کرد. به نظر یارمحمدی (۱۳۸۳: ۳۰) یکی از مباحث عمده در سازمان دادن و پردازش گفتمان به صورت متن و استخراج و استنتاج معنی از متن، مبحث معرفت زمینه‌ای (Background knowledge) یا اطلاعات قبلی است. گوینده، شنونده و یا نویسنده و خواننده در هنگام گفتگو یا نوشتن و خواندن با توجه به اطلاعات قبلی که تصور می‌رود بین گوینده و شنونده و یا نویسنده و خواننده در مورد موضوع مورد نظر مشترک باشد گفته یا نوشته خود را به شیوه خاصی عرضه می‌کنند. نحوه عرضه مطلب، انتخاب قالب بیان، خلاصه یا گسترده بیان کردن مطلب و بالاخره به کارگیری ساخت دستوری و واژگان خاص آرائه مطلب بستگی به عواملی چند از جمله کیفیت معرفت زمینه‌ای دارد. شنونده یا خواننده نیز در کشف، تفسیر و استخراج منظور گوینده و نویسنده از این ویژگیها بهره می‌گیرد.

استفاده از الگوهای گوناگون برای تحلیل گفتمانی یک متن هرچند می‌تواند سودمند باشد اما ممکن است مشکلاتی را نیز در پی داشته باشد. آنچه در این پژوهش به چشم می‌خورد، استفاده از الگوهای مختلف تحلیل گفتمانی است، مثلاً در بخش اول که بررسی سطح کلان است برای تحقیق درباره طرح کلی داستان از الگوی هج و در بخش عوامل انسجامی از الگوی هالیدی و حسن استفاده شده است. در بخش خرد و برای بررسی الگوهای نحوی و سازکارهای سبکی داستان نیز به آثار فرشیدورد و شفایی ارجاع داده شده است. بهره‌گیری از الگوهای گوناگون مورد نظر، سبب درهم آمیختگی دیدگاهها و بی‌نظمی و عدم انسجام در کل پژوهش شده است. بخش بررسی عوامل انسجامی که برگرفته از نظریات هالیدی و حسن است در واقع خود جزئی از بخش بزرگتری است که در الگوی هالیدی و حسن مطرح شده است. براساس این الگو در تحلیل یک متن باید به سه بخش ساخت بینافردی، ساخت متنی و ساخت اندیشگانی توجه کرد. ساخت متنی از دو بخش عوامل ساختاری و غیرساختاری تشکیل می‌شود. منظور از عوامل ساختاری

ساخت مبتدا- خبری و ساخت اطلاعاتی است و منظور از عوامل غیرساختاری انسجام است. بنابراین پرداختن به بحث انسجام یا باید به تنهایی صورت گیرد و یا براساس الگوی هالییدی و به همراه دیگر بخشهای ساخت متنی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. در بخش الگوهای نحوی نیز جداولی دیده می‌شود که تعداد و درصد جمله‌های ساده و مرکب، معلوم و مجهول، جملات فعلی و اسمی و نوع جمله از جهت خبری، پرسشی، عاطفی، شرطی و امری در آن مشخص شده است؛ اما تحلیلی از علت کاربرد هر نوع خاص از جمله به دنبال آن نیامده و به توضیح بسیار کوتاهی دربارهٔ کل جداول اکتفا شده است. این در حالی است که مثلاً علت کاربرد فعلهای معلوم یا مجهول در تحلیل گفتمانی متون بسیار اهمیت دارد.

در بخش سازکارهای سبکی به کار رفته در داستان، چهار مسئله مورد بررسی قرار گرفته است: اصطلاحات عامیانه، توصیف، نثر شکسته و تشبیه. آن چنان که مشاهده می‌شود تناسبی بین بخشهای این قسمت دیده نمی‌شود. اکتفا کردن به آرایه تشبیه و نپرداختن به دیگر فنون بلاغی از جمله کنایه که در داستان مدیر مدرسه فراوان به چشم می‌خورد از ضعفهای این بخش است. البته باید تأکید کرد که چنین پژوهشهایی با تکیه بر الگوهای علمی و مستند می‌تواند راهگشای خوانش متون ادبی از جمله متون داستانی فارسی باشد.

## ۵. نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان رویکرد جدیدی است اما ریشه‌های آن را می‌توان در علوم سنتی از جمله معانی و بیان هم دید. علاوه بر اینکه دیدگاههای نقد ادبی نو در شکل‌گیری تحلیل گفتمان نقش داشته‌اند، ادبیات در کنار زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سایر علوم توانسته است در تعیین چارچوبهای نظری و الگوهای تحلیلی برای تحلیل گفتمانی هرگونه متنی اعم از ادبی و غیر آن، مؤثر و کارآمد باشد. زبان‌شناسان رمز موفقیت در تعامل پویا بین ادبیات و زبان‌شناسی را در رویکرد و نگاه میان‌رشته‌ای به تحلیل می‌دانند، چراکه زبان‌شناسی و ادبیات به سبب مقاصد جداگانه هر کدام محدودیتهایی دارند اما رویکرد میان‌رشته‌ای می‌تواند با ترکیب دیدگاهها و روشهای رشته‌های گوناگون به حل مسائل

جدیدتری منجر شود و در حوزه تحلیل متن نیز می‌تواند به خوانش و درک بهتری از متن منتهی شود.

رویکرد تحلیل گفتمان به دلیل ماهیت بین‌رشته‌ای‌اش مورد توجه محققان رشته‌های گوناگونی از جمله زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. البته تحلیل گفتمان در حوزه ادبیات بیشتر با مباحث زبان‌شناسی و معناشناسی در ارتباط است. بیشتر آثاری که در دهه هفتاد در ایران در حوزه تحلیل گفتمان منتشر شده‌اند به مباحث نظری این رویکرد اختصاص دارند و بعضی از پژوهشگران نیز به تحلیل گفتمانی متون پرداخته‌اند، اما در دهه هشتاد، نویسندگان علاوه بر پرداختن به مباحث نظری بیشتر به تحلیل گفتمانی متون ادبی توجه نشان داده‌اند. بررسی نمونه‌هایی از مقالات و پایان‌نامه‌های این حوزه نشان می‌دهد که نویسندگان آنها بیشتر با بهره‌گیری از مبانی نظری دستور نقش‌گرایی هالییدی به بررسی ساخت متنی، ساخت اندیشگانی و ساخت بینافردی متون ادبی پرداخته‌اند. بیشتر پایان‌نامه‌هایی که در حوزه تحلیل گفتمان نوشته شده‌اند مربوط به دانشجویان رشته‌های زبان‌شناسی است؛ دانشجویان گرایش زبان‌شناسی همگانی و پس از آن گرایش آموزش زبان فارسی بیشترین پایان‌نامه‌های این حوزه را به خود اختصاص داده‌اند.

## منابع و مأخذ

- آفاگل زاده، فردوس. ۱۳۸۴. «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۴۹، ص ۱-۲۱.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۵. «تحلیل گفتمان انتقادی»، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۶ «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، مجله ادب پژوهی (فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی)، سال اول، شماره ۱، رشت، دانشگاه گیلان، ص ۱۷-۲۷.
- افراسیابی، فرامرز. ۱۳۸۰. «تجزیه و تحلیل زبان‌شناسانه اشعار فروغ فرخزاد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه شیراز، به راهنمایی دکتر لطف‌الله یارمحمدی.
- بهرام‌پور، شعبانعلی. ۱۳۷۹. «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی، به اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان، ص ۲۱-۶۴.
- بهنام، بیوک. ۱۳۷۹. «ماهیت تعامل زنجیره‌ای واژه‌ها در داستان کوتاهی از همینگوی»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال دهم، شماره ۳۶، ص ۱-۲۲.
- پاینده، حسین. ۱۳۸۲. «گفتمان نقد: مقالاتی در نقد ادبی»، تهران، روزنگار.
- تاجیک، محمدرضا. ۱۳۷۹. «گفتمان و تحلیل گفتمانی (مجموعه مقالاتی از محمدرضا تاجیک، شعبانعلی بهرام‌پور و...)»، تهران، فرهنگ گفتمان.
- حسین‌زاده، رسول. ۱۳۸۳. «تحلیل گفتمانی و متنی داستان مدیر مدرسه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، به راهنمایی دکتر عامر قیطوری.
- حسینی، شهیدقلی. ۱۳۷۹. «تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات ترکی مآذون (شاعر قشقایی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شیراز، به راهنمایی دکتر لطف‌الله یارمحمدی.
- خضریایی یارندی، محمدرضا. ۱۳۸۲. «بررسی انسجام دستوری در زبان فارسی؛ با نگاهی به آثار جلال آل احمد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر علی درزی.
- رحیمیان، جلال و آرزو مؤمنی. ۱۳۸۱. «تجزیه و تحلیل گفتمانی داستان مدیر مدرسه در دو سطح خرد و کلان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۱۲ (پیاپی ۹)، ص ۳۹-۶۵.
- ره‌گوی، رخشنده. ۱۳۷۶. «تحلیل بوف کور بر اساس زبان‌شناسی متن‌بنیاد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر علی محمد حق‌شناس.
- زکی‌پور لوخی، شهربانو. ۱۳۸۳. «انسجام واژگانی در داستانهای کوتاه زبان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد، به راهنمایی دکتر نادر جهانگیری.

## جایگاه تحلیل گفتمان در واکاوی متون ادب فارسی ۲۲۹

سعید دهقی، مریم (۱۳۷۹) «به کارگیری روابط واژگانی در مثنوی و مقایسه آن با شاهنامه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، به راهنمایی دکتر میرجلال‌الدین کزازی.

شوق الشعراء، لیلی. ۱۳۷۹. «بررسی و مقایسه روابط انسجام پیوندی در متون داستانی کودکان و بزرگسالان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر علی درزی.

شهبازی، ایرج. ۱۳۷۸. «تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات عاشقانه سعدی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه شیراز، به راهنمایی دکتر عبدالمهدی ریاضی.

شیبانی، خاطره. ۱۳۷۷. «نقد زبان جای خالی سلوچ بر مبنای زبان‌شناسی متن‌بنیاد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر علی محمد حق‌شناس.

علوی، فاطمه. ۱۳۸۱. «بررسی دیدگاه روایی در سه داستان کوتاه صادق چوبک؛ با رویکردی به تحلیل کلام/انتقادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر علی افخمی.

علی خوبی، مهناز. ۱۳۸۰. «مطالعه و بررسی انسجام دستوری در زبان فارسی با نگاهی به آثار صادق هدایت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، به راهنمایی دکتر علی درزی.

غیائی، غلامرضا. ۱۳۷۴. «انسجام واژگانی در شعر معاصر فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر کاظم لطفی‌پورساعدی.

فرکلاف، نورمن. ۱۳۷۹. تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

قنبری، لیلا. ۱۳۸۲. «بررسی تحلیل انتقادی گفتمان داستانهای کوتاه معاصر بزرگسالان و داستانهای کوتاه معاصر نوجوانان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه شیراز، به راهنمایی دکتر لطف‌الله یارمحمدی.

کارآمد هوتک، آناهیتا. ۱۳۷۸. «زبان در شعر فروغ فرخزاد؛ یک رویکرد متن‌بنیاد براساس دستور نقش‌گر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر علی محمد حق‌شناس.

لطفی‌پور ساعدی، کاظم. ۱۳۷۱. «درآمدی به سخن‌کاوی»، مجله زبان‌شناسی، سال نهم، شماره اول، ص ۹-۳۹.

محرابی ساری، ایران. ۱۳۸۰. «بررسی و مقایسه انسجام واژگانی در متون داستانی کودکان و بزرگسالان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، به راهنمایی دکتر منصور فهیم.

۲۳۰ مجموعه مقالات دومین کنگره ملی علوم انسانی

مهاجر، مهران و محمد نبوی. ۱۳۷۶. به سوی زبان‌شناسی شعر؛ ره‌یافتی نقش‌گرا، تهران، نشر مرکز. میلز، سارا. ۱۳۸۲. گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، زنجان، نشر هزاره سوم.

نصرآزادانی، امرالله. ۱۳۷۸. «بررسی زبان‌شناختی عناصر انسجام در فارسی از دیدگاه تحلیل کلام بر مبنای متون داستانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان، به راهنمایی دکتر سید محمدتقی طیب.

همتی‌راد، زهرا. ۱۳۸۲. «تحلیل گفتمانی مجموعه یکی بود یکی نبود جمال‌زاده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه شیراز، به راهنمایی دکتر محمدرضا پرهیزگار.

یارمحمدی، لطف‌الله. ۱۳۷۲. شانزده مقاله در زبان‌شناسی کاربردی و ترجمه، شیراز، نوید.

\_\_\_\_\_ . ۱۳۸۳. گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران، هرمس.

یوهان سون، یورگن دینس و سوند اریک لارسن. ۱۳۸۷. نشانه‌شناسی چیست؟، ترجمه علی میرعمادی، تهران، ورجاوند.

Brown, G. & George Yule. 1983. *Discourse Analysis*, Cambridge university press.

Haliday, M.A.K. 1983. *An Introduction to functional Grammar* (1 st edn), London, Edward Arnold.